

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری  
۲۶ فیروزی ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

## چیستی انسان در علوم انسانی در افغانستان

آیا انسان ذاتاً فردگراست یا اجتماعی و یا سیاسی و یا سود جو؟!..!

شرح استدلال:

جان لاک انسان را ذاتاً فردگرا می دانست و عضویت وی را در جامعه ثانوی و اختیاری می گفت. اما مارکس جای ندیده ام از ذات انسان چیزی بگوید، ولی باور داشت انسان طبعاً موجود تولید کننده یعنی اجتماعی می باشد. که بدون اعضاء یا فاقد ارتباط با جامعه نمی تواند باشد. ارسطو انسان را حیوان سیاسی می دانست. اما برخی باور دارند انسان موجود سیاسی نیست. ذاتاً سودجو و فایده گراست.

انسان و افغانستان:

از بدو خلقت و تا در قبر گذاشته می شود، در این سرزمین با اذان گفتن در گوش و خواندن نماز جنازه وی توسط ملا، و در همه گونه های زیست چون: اجتماعی یا فردگرا بودنش، و یا در سیاست و سودجویی باید شکل های ارزش همانا دین را در نظر بگیرد. فاقد درک و هضم حکمت یا باطن دین مثلاً: بی حجابی زنان با بی عفتی زنان فرق دارد. و یا ریش نماندن به معنی فاسق نیست. یعنی انسان با حجاب هم می شود که بی عفت باشد و با گذاشتن ریش فاسق و قاتل... در حقیقت جایگاه دین و انسان چگونه است؟

دین و اجتماعی سیاسی:

در قرآن بسیاری موارد را خداوند با خطاب قرار دادن: ای مردم و یا مصالح اجتماعی را: واعتصوا بحبل الله جمیعاً... و یا این که حضرت علی کرم الله وجهه در مواضع خود مقابل حضرت معاویه گفت: آنقدر مردم در خانه من جمع شدن که تا امیرالمومنین شوم، که قریب حسن و حسین در زیر پاهای مردم شهید شوند.

حالا اجمالاً از مردم سالاری در اسلام در چند مورد گفتیم، که تفصیل دموکراسی و اسلام شرح بسیار زیادی دارد. یا بگویم، اولی الامر کیست؟ اولاً این آیه ۵۹ سوره نساء حکم الهی می باشد و امر کننده جایگاه تقنین یا تصویب قوانین همانا شورا یا پارلمان و نظارت مجریان که قانون را رعایت می کنند و یا خیر، پس قوانین عادی کشور و تطبیق آن به اساس رأی فقها باید و نظارت عملکرد در مصالح اجتماع و توسعه کشور در امر سودجوی و فایده گرای که اکثر موارد مدرنیته مانند: طیاره و هوانوردی، ترانسپورت، مخابرات و سایر، بانک داری جهانی تا جائی که در تضاد ارزش های دینی نباشد، این موارد در فقه موجود نیستند. البته بدون طیاره حج رفتن امروز ناممکن نیز است و بدون طبابت و صحت عامه که قبول شده و در ارتباط با سازمان های صحتی جهانی نباشد زندگی با این همه تهدید ها و ویروس ها ناممکن می شود.

پس قوه مجریه با متخصص رشته که متعهد به وطن نیز باشد و مجلس نمایندگان مردم یا شورا با قانون گذاران متخصص و علمای ربانی از انتخاب مردم، قدرت تقنین و نظارت برای منافع عامه مردم افغانستان باشند.

### فردگرایی دینی یا عرفان:

البته مجالس صوفیان کرام و خوان معنوی همانا صحبت های شان به گونه اجتماعی نیز می باشد. اما غایت عرفان در اسلام تکامل فردیست:

انسان با مفهوم مجزا از عالم حیوانی اش یعنی ما، مفهومی نه کمی، فرصت دانسته می شود.<sup>۱</sup> فرصتی که به اصل متوصل شود. چون پی حصول مقصود، این فرصت از هر جهت جهش را، جواب است. که او محیط همه محیط بوده، و تو بودی فرسنگ ها دور که ندید. در این دید تو ماهی و سیر تکمیلی بحر، در معرفت کن بیرون، تا تاج کرامت را فروزانی، بهایش به نقد عشق خریدی که صد جانش دهی، از این که جوهر خدای نامتنهی است، و مظهرش در چندین هزار کتب تبیین و تفسیر نشود. که این مظهر متوصل ازلی ذاتی، که در مقدمات بر اراده آزاد تو آمده کسبی، نقطه وصل ذات و کسب نور عقل و نار عشق است. و چرای چپستی انسان در معرفتی است که سعی و کوشش این معرف است بندگی، بند بندگی عشق می باشد. که از پرواز، صعود رحمت می کند. پیدایش فرصت یا چگونگی انسانی از روز الست موجود، در همجودی این اصل، طلوع بی غروب آفتابی<sup>۲</sup> شده است، بر همه روزها، ماه ها و سال هائی که جوهر جان عبارت از فرصت به اصل واصل شود. که آنچه بعد وصل پدیدار: خدمت و ایثار بود.

### امانت داری انسان!

حمل بار امانت، پایدار به باغ صیانت	گشتی نوح را آب، در بحر الوجود جهت
سکه دو روی، یک نفی دیگر اثبات خوی	در بصیرت عریانست، به عقل در امانت
بر پناه جانان شو، وز او نشان شو	کز قدرت شباهت، لنگر بدل شفاعت
عشق شده وجود، اوست در سیر جود	خیر الامور اوسط، ز حال انفاس غنیمت
نورش نیست غریب، ز الست شده حبیب	اندر پناه جانان، سینه چاک و اقدسیت
در خلایق انسان را، بر امانت کرد بهاء	با چنین موجودیت، ز عشق آید شفقت
در وصف امانت، فقیری خموش باید	کز دلت جاری، وز حواس نیست پیدایت

<sup>۱</sup> منظور از فرصت این که، هستی انسان با زمان وی مشتق است و فرصت دلالت دارد، به اهداف انسانی که در روح و عقل انسان به گونه ذاتی بوده و پی آن است.

<sup>۲</sup> آفتاب: پیر کامل که مستغرق از روحنیت نبی اکرم صلوات علیه تا وصل ذات گرمی آفرین است، که در انجام مجموعه گرمی ها از اصل ذات بوده نه از وسیله، که در آن پختگی چون رسید، خود راه رو، یکی از آفتاب دین می شود.